منشورحقوق زن

و وظايف وی

دراسلام

ترتيب دهنده

د. ابراهیم ناصر

ترجمه

قریب الله «مطیع»

بسم الله الرحمن الرحیم

**مقدمۀ مترجم**

شریعت اسلامی به مناسب ترین وجه کرامت وعدالت نسیت به زنان را بیان داشته وآنان را از جور وستم جاهلیت نجات داده است، وعادلانه جنبه های مختلف انسانی وجنسی آنان اعم از دختربودن، همسربودن، مادربودن وعضوجامعه بودن را محفوظ نموده است. مامنکرآن نیستیم که دربعضی ازجوامع مسلمانان ودر زمان های مختلف، برخی ازمسلمانان به نام دین برزن ظلم روا داشته و او را از حقوق مسلمش مانند آموزش مسایل دینی محروم، و درانتخاب شریک زندگی مورد رضایت خاطرش آزاد نگذاشته اند، لیکن این امور ازعدم شعور صحیح دینی سرچشمه گرفته وجنبۀ عمومی ندارد.وهمواره مسلمانانی بوده اندکه منکراین اوضاع بوده وبرای رفع آن تلاش نموده اند درحالیکه به همه هویداست که زن درجامعه نقش بسیار اساسی را به عهده دارد. چنانکه شاعر میگوید:

الأم مدرسة اذا اعددتها أعددت شعبا طیب الأعراق

«مادرمدرسه ای است که اگرآن را مهیا نمایی یک ملت پاک نهاد راساخته ای». لیکن بعداز گشودن دروازه های تبادل فرهنگی باکشورهای غربی وشرقی غیرمسلمان، چیزهایی درجامعه اسلامی پدید آمدکه قبلا وجود نداشت مانند: کارکردن زن درکارخانه هاوادارات دولتی، وپیش نمودن زنان به مسایل سیاسی، وشرکت درمسایل انتخاباتی و..... زمانیکه مرد وزن به گونۀمساوی باهم، بدون مراعات خصوصیت های ذاتی هرکدام، پاجاپای یکدیگر بگذارند واختلاف ذاتی و فطری جنس خودرا نادیده بگیرند، مسیر زندگی به اهداف واقعی خویش منتهی نمیگردد، چون دور ازعقل وعدالت است که خداوند بین دوجنس مختلف که مصالح ذاتی آنها ومصالح جامعه مبنی براختلاف وتفاوت بین آنهاست، مساوات قایل شود، پس باید وظایفشان باهم فرق داشته باشد وعقل وعدل غیراین را نمی پذیرد.

زن نصف جامعۀ انسانی را تشکیل میدهد بلکه نصف مهمترجامعه اند، پس باید درپرتو قانون الهی افرادجامعه را به کرامت، عدالت ورفع ستم نسبت به زنان فراخواند، تازنان بتوانند درمسایل آموزشی، تربیتی وشغل های متناسب باطبیعت وسرشت وشخصیت اجتماعی وتوان جسمی وروحی وتحمل مسؤلیت های ویژۀ خویش، وانتخاب همسروتشکیل خانواده وکانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم ومتناسب خویش دست یابند، وچنین هم به نظر می رسد که مردم درپرتو حوادث ورویدادها خواهی نخواهی به تدریج به حکمت شریعت الهی دربارۀ زن برمی گردند، حتی دشمنان نیز اعتراف می کنند که شریعت اسلامی حقوق واحترامی به زنان داده است که به طور مطلق درهیج یک ازشریعت های دیگر وقوانین وضعی نیامده است. پس برزن مسلمان لازم است که وحدت خانواده را رعایت کند ومرد نیز برمبنای مسؤلیت ها ووظائف وتکالیفش درقبال همسرش این وحدت واین انسجام راحفظ کند. ودربیرون از منزل: زن باید حجاب راسخت مراعات نموده وازاختلاط با مردان وخود نمایی وزینت وزیورنمایی حذرنمایدکه این خود رمزسلامت جامعه از شیوع مسایل جنسی وبی بند وباری وبی سروسامانی است که جوامع غربی امروز درآن غرقند، اگراین مسایل درجامعه های مسلمانان بطور درست مراعات شود، دل هااز آلودگی ها وجامعه ازگمراهی هاومنکرات پاک خواهد شد وعفت وحیا مصون خواهد ماند، زیراهراندازه زنان ازابتذال وبی بندوباری ومواضع تهمت دور باشند، قوت وصلابت مردان بیشترخواهد شد، درغیرآن این صورت قضیه برعکس خواهد گردید.

به امیدایجادجامعۀ نوینی که خالی ازهرگونه زشتی وفرومایگی های باشد که بیناد خانواده وجامعه را متزلزل می سازد.

قریب الله «مطیع»

qarib@maktoob.com

**پیشگفتار**

این منشورکه با همکاری و کوشش های دهها تن از دانشمندان و اندیشمندان اسلامی تهیه و آماده گردیده است، موضع و موقف شریعت اسلامی را در مورد حقوق زن و مسائل مربوط به وی که در عصر حاضر قضیة مهمی درساحات جوامع اسلامی بطور چشمگیر مطرح بوده و تمدن غرب مفتون آن گردیده، و غبار این فتنه بعضی از جوامع اسلامی و افکار برخی از فرزندان امت مسلمه را هم فرا گرفته است، بیان نموده و در دفاع از زن و حقوق وی، بسیاری از مسائل مربوط بوی را طبق اوضاع پر آشوب و فتنه انگیز عصر کنونی بطور دقیق بررسی کرده و بشکل مختصر و مستند آماده و تقدیم نموده است.

**مقدمه**

الحمدلله والصلاة والسلام وعلی رسول الله وعلی آله وصحبه أجمعین. این منشورموقف شریعت اسلامی را در مورد زن و حقوق وی در جامعه بیان می کند، حقوقی که در عصر حاضر قضیة داغ ومهمی بوده و پیرامون آن بحث و مناقشه درهر گوشه و کنار صورت می گیرد، چون غرب گرایی با جلوه های سراب مانندش در همه کشور های اسلامی گسترش یافته و می خواهند فرزندان این امت را به بیراهه بکشانند، این پیام دلسوزانه بخاطر پند و عبرت به فرزندان امت اسلامی تقدیم می شود تا فریب بی دینان و اغوا کنندگان را نخورده و روزی به دام آنها نیفتند، و باید بدانند که خداوند عزوجل دستور و قانونی را که برای بشریت وضع نموده موافق و مطابق و شایستة هر زمان و مکان بوده و رحمت و عطوفت خداوند شامل حال همه است.

سازمان ها وگروه های بین المللی غربی با دیدگاه های سکولرستی ومادی گرایی منحط وشهوانی شان، با همکاری وهمدستی دولت های غربی، جهت هدف قراردادن ارزشهای والای اخلاقی این امت تصمیم گرفته اند تا بصورت آشکار وشتاب زده، دشمنی خود را صراحتا اعلام بدارند.

حالا که به همه، اسباب عجز و ناتوانی سیاستمداران در مقابل حملات و تجاوزات سیاسی و عسکری دشمن هویدا و قابل درک گردیده است، و دراین مراحل حساس که امروز و فردا با آن مواجه هستیم، نباید دانشمندان و اندیشمندان امت اسلامی در برابر حملات فرهنگی و فکری دشمن نیز عاجزانه گوشه نشینی را اختیار کرده و واکنشی از خود نشان ندهند زیرا دشمن قبلا جبهات مستحکمی را در این روند تشکیل داده و جهات معینی را در داخل امت اسلامی هدف حملات فرهنگی خویش قرار می دهند، تا بدینوسیله باور و اعتماد فرزندان این امت را به شعائر دین شان تضعیف نمایند. شاید هم بتوانند روزی کشوری از کشور های اسلامی را مورد حمله قرار داده نظام سیاسی آنرا از بین ببرند و یا نیروی عسکری آنرا از پا در آورده متلاشی سازند، لیکن تا وقتیکه مسلمانان اطمئنان و اعتماد شان را نسبت به دین مقدس شان از دست نداده باشند هرگز دشمن توان این را نخواهد داشت که بر ملت های مسلمان مسلط و مسیطر شود.

خداوند می فرماید: ﭽ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﭼ آل عمران: ٦٩

«گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می شد شما را گمراه کنند وبا القاء شبه هایی در دینتان، شمارا از اسلا م برگردانند، ولی با این کارها جزخویشتن را گمراه نمی سازند ونمی فهمند». همچنان می فرماید: ﭽ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﭼ النساء: ٨٩

«آنان دوست می دارند که شما کافر شوید همان گونه که خود کافر شده اند و(درکفر با ایشان) مساوی شوید».

این حقیقتی است که قرآن آنرا ثابت می کند وبدین ملحوظ موجب می شود تا مصلحان این امت گرد هم آمده با همدستی و همدلی و اتفاق نظر توطئه های شوم آنها را که در ساحات مختلف بویژه آنچه به زن تعلق می گیرد به امت اسلامی افشاء نموده از آن جلوگیری نمایند.

درجمع آوری این وثیقه نامه کوشش شده تا با ذکر دلیل بدون شرح مفصل آن بطور مختصر و فشرده به خوانندگان گرامی تقدیم گردد..

این منشورحاوی مطالب ذیل می باشد:

\* سر آغاز ومقدمات اساسی.

\* اصول ومقررات شرعی مربوط به حقوق زن ووظایفش .

\* بینش توضیحی وتعلیلی به برخی از این اصول .

\* سفارش ها و درخواست ها.

**سرآغاز ومقدمات اساسی**

در مورد حقوق زن و وظایف وی مبادی و مقدمات اساسی شرعی و واقعی وجود دارد که هرگونه ترکیب واصول شرعی پیرامون آن را مورد بحث و بررسی قرار داده، خواسته ها ومسلمات آنرا تعیین می نماید، چنانکه راه علاج عوارض وپیش آمدهای مترقبه را نیز درمی یابد، که مهمترین آن از قرارذیل است:

1ـ اعتقاد قاطع براینکه یگانه مصدر خیر وحق، چه مربوط به امور دنیوی باشد ویا اخروی، همانا وحی الهی با دو اصلش، قرآن کریم وسنت مطهر پیامبر ، می باشد.

وبه تعقیب آندو اصل پاک، اجماع ثابت شده ومعتبر قرار گرفته و نظر به ارزش واعتباری که دراسلام دارد در وقت ضرورت به آن رجوع شده ومخالفت باآن جایز نمی باشد، زیرا یکی از شروط و زیربنای ایمان بشمار می رود ،خداوند می فرماید:

ﭽ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﭼ النساء: 65

«به پروردگارت سوگند که ایمان نمی آورند تا آنکه ترا در آنچه میانشان مایه اختلاف است، داور گردانند، آن گاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند وتسلیم شوند به تسلیم شدنی».

وازجملة امور معلوم وآشکار در دین، که باید هر مسلمان آنرا بداند، یگانه پنداشتن خداوند در آفرینش همه کائنات است، که بنده باید ایمان ویقین کامل داشته باشد که قانونگذار وحکمفرما، درهمه شئون وعرصه های زندگی افراد وجوامع بشری، تنها وتنها الله تبارک وتعالی می باشد.

ودر مورد یگانه پنداشتن خداوند درعبادت اینست که بندگان باید در تمامی امورشان، الله راحاکم وداورخود گردانند، وبه جز او کسی دیگری را به داوری برنگزینند .

2ـ بندة مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که شریعت اسلامی در هر زمان ومکان قابل تطبیق بوده واهلیت وشایستگی آنرا دارد، وقوانین واحکام آن، همه نواحی حیات بشری را دربردارد، ویقین واعتماد کامل برهمه احکام وقوانین کلی وجزئی دین داشته باشد، وبداند که اسلام دینی متکاملی است که کلیه امورخیر، عدل ومساوات، رحمت وشفقت را فراگرفته است. خداوند می فرماید: ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭼ الإسراء: ٩

«قطعا این قرآن به آیینی که پایدارتراست راهنمون می گرداند ومؤمنان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهدکه پادشی بزرگی برایشان خواهد بود» آنچکه سبب اعتماد واطمینان در این مورد می شود، آنست که مصدر این قوانین ومقررات، خداوند عزیز وحکیم است، ذاتی که بربندگانش لطف وشفقت می ورزد وبا علم گسترده وحکمت کاملش مدبراموراست، خداوند میفرماید:

ﭽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﭼ المائدة: ٥٠

«آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی ازخدا بهتراست» لذا درست کردن واصلاح نمودن هرگونه خللی درهرحالت ودرهر رابطه ای، لازم است که موافق به معیار شریعت باشد، خواه در درستی یا نادرستی، یا درحق باشد یا در باطل، ونباید این معیارها را دیگران که از نگاه دین وعقیده با ما ارتباطی ندارند ویا هم آنعده مسلمانانی که متأثر به ایدیولوژی آنها اند سنجش و تعیین نمایند، خداوند می فرماید:

ﭽ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﭼ المائدة: ٤٩

«وازآنان برحذر باش، مبادا که ترا دربخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده، به فتنه دراندازند»

3ـ به فرزندان امت اسلامی آگاهی داده شود تا از قوانین و مقررات وضع شده توسط بشرکه اغلباً بر مبنای مخالفت با نصوص قرآنی وقواعد و اصول دین اسلام استوار بوده و با شعائر و ارزشهای والای دین مغایرت دارد هرچند احیانا در ظاهر زیبا و پسندیده جلوه نماید و شاید هم در بعضی از جوانب این قوانین گوشة از حقایق به نظر آید که آنهم بدون شک نتیجه سرشت پاک انسانی بوده که در ابتدای خلقت بر آن آفریده شده ویا اینکه در نتیجة عقلانی بودن بشر چنین جنبة مثبتی در قوانین وضعی به نظرخواهد بخورد، برحذر باشند. خداوند می فرماید: ﭽ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﭼ النساء: ٨٢

« واگر- قران- ازجانب غیرخدا می بود قطعا درآن اختلاف بسیاری می یافتند»

همچنان آگاه ساختن فرزندان این امت بر اینکه مصدر همه تبهکاری وفساد وگزندهای که بشربت چه مسلمان وچه کافر ازآن شکایت داشته ورنج می برند همانا مغایرت وتباین قوانین وضع شده وخودساختة آنها با اسلام و دوری ایشان ازآیین وارشادات اسلام که یگانه مرجع اساسی حق بوده، وآرامش وآسایش بشریت درآن نهفته است، می باشد، خداوند می فرماید:

ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﭼ الروم: ٤١

«فساد در بر وبحرآشکارشد به سبب عملکردمردم» همچنان اوتعالی می فرماید: ﭽ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﭼ الأنبياء: ٢٢

«اگردرآن دو- آسمان وزمین- جزخدای یگانه، خدایان دیگری وجود میداشت، قطعازمین وآسمان هردوتباه می شد، پس منزه است خداوند پروردگارعرش، ازآنچه وصف می کنند».

4 ـ مسلمان باید متیقن بوده وایمان کامل داشته باشدکه دین اسلام یگانه دینی عدل است، و لازمه وخواست عدل اینست که میان دوهم جنس مساوات برقرارکند، و دوجنس مختلف را وقتیکه امکان مساوات میان شان نباشد، از هم جدا کند.

وکسیکه ادعا می کند که اسلام دین مساوات بدون قید وشرط است، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، زیرا مساوات مطلق گاهی هم نیاز به عملی نمودن مساوات میان دوچیز متفاوت ومختلف را ایجاب میکند،که این درحقیقت ظلمی آشکار است، وکسانی که برداشت شان از مساوات، عدل است، آنها معنای درستی را ازکلمه مساوات برداشت نموده اند ولی درلفظ آن به خطا رفته اند، زیرا یک حرف ازقرآن کریم هم امربه مساوات مطلق ننموده است، بلکه امر به عدل نموده است، چنانکه خداوند می فرماید: ﭽ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﭼ النحل: ٩٠

«درحقیقت، الله به عدل واحسان امرمیکند» چه بسا احکام وقوانین شریعت اسلامی براساس عدل استوار است، ومساوات را درصورتی مراعات مینمایدکه درآن عدل باشد، وهمچنان تفاوت درصورتی میگذارد که درآن عدل برقرارباشد، خداوند می فرماید: ﭽﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﭼ الأنعام: ١١٥ «وسخن پروردگارت به صدق وعدل سرانجام گرفته است،کلمات اورا دگرگون کننده ای نیست، واوشنوای داناست» یعنی صدق درآگاهی، وعدل دراحکام. لذا اسلام زند گی و روابط بشریت را براساس عدل تا آخرین حد برپا نموده واستوار نگهمیدارد، پس عدل درهرحالت وبا هرکسی و از هرانسانی مطلوب است، خداوند میفرماید:

ﭽ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﭼ المائدة: ٨

«ودشمنی قومی، شمارا برترک عدالت وا ندارد، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

5- در مورد روابط میان بشر، جاهلیت غربی عصرحاضر، به نظریة( فردی) معتقد بوده آنرا معیار اساسی قرارداده است، که به طبیعت حال و از روی منطق نتیجه وسرانجام این طرز فکر چنین خواهدشد که پیروانش تسلیم برآن گردند که یقینا علاقه ورابطه میان انسانها براساس کشمکش ها وغالب آمدن یکی بردیگری، وخودخواهی وبخالت، وتنگی بردیگران بوده و کمک، همکاری، دستگیری، بخشش، ایثار وفداکاری درجوامع آنها راهی نداشته وندارد. این همه دگرگونی حاصل وثمره کجروی از جادة حقیقت و از راهی که خداوند آنرا برای بشریت وضع نموده است، می باشد. پس کشمکش ها واختلافات میان زن ومرد، وحقوق متعلق به هریکی از آنها، که اجندای کنفرانسها و محافل جهانی را در این وقت و زمان تشکیل می دهد، همه نتايج میراث تاریخ وفرهنگ غرب است که ریشه های دینی ـ تحریف شده ـ آنراتقویت کرده ومفکورة عداوت ودشمنی میان زن ومرد را ازلی معرفی می نماید، و زن را سبب و مصدر اساسی همه اشتباهات می خوانند، این میراث تاریخی غرب شاید بابعضی ازفرهنگ ها وآیدیالوژی های دیگر خلط خورده وهمسیرگردیده باشد، ولی بدون شک وبا تأکید، باشریعت اسلامی وفرهنگ مسلمانان هیچ رابطه ونسبتی نداشته و ندارد. درآیین اسلام زن و مرد این حق را ندارند که حقوق را تعیین نمایند، بلکه یگانه کسیکه حقوق همه را مقرر وتعین می نماید، خداوند لطیف وداناست، که فرموده است: ﭽ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﭼ ﭼ الأعراف: ١٨9 «اوست کسی که شمارا از نفس واحدی آفریده وهمسرش- حوا- را ازوی پدیدآورد تا- آدم- بدان آرام گیرد- وانس یابد-».

اما بی عدالتی، جور وستم، سلب وتلف حقوق در محیط زیست مسلمانان و بخصوص در زندگی بعضی از خانواده ها که به مشاهده می رسد اسباب و علل مختلفی داشته که در این منشوربه دو مورد آن اشاره می شود.

اول اینکه آنها به اصول و مقررات دین مقدس اسلام توجه و متمسک نبوده، قوانین و فرهنگ غربی را سرمشق امور خود قرار داده اند، دوم اینکه از رسم و رواجهای فرسوده که مخالف شریعت اسلام بوده تقلید و به آن عمل نموده اند، که بلاخره منجر به معضله های گوناگون شده و در نتیجه از آن صراط مسقیمی که خداوند عزوجل برای سعادت بشر تعیین فرموده منحرف شده به بیراهه رفته اند وسبب همچو بی عدالتی ها در مجتمعات ایشان شده است.

6- جنگ ومبارزةکافران ازابتدای درخشیدن نوراسلام وپایداری آن، علیه مسلمانان آغاز گردیده واستمرارخواهد داشت ،خداوند می فرماید:

ﭽ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﭼالبقرة: ٢١٧

«واینان همچنان- مستمراً- باشما پیکارمیکنند تااگر بتوانند شمارا ازدین تان برگردانند».

وتوأم باتسلط کفار بر مسلمانان که گاهی رخ داده است، گروه منافقان نیز میان مسلمانان عرض اندام نموده، وآنچه راکه درقلب می پرورانیدند، باموضع گیری هایشان آشکارساخته، وکسانی هم پیدا شده که دنبال آنها رفته اند، از اینرو باید مبارزة جدی وتصفیه حساب بااین گروه فتنه انگیز صورت گیرد، چنانکه خداوند می فرماید:

ﭽ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﭼ التحريم: ٩

«ای پیامبر! علیه کافران ومنافقین جهادکن وبرآنان غلظت کن، وجایگاه شان دوزخ است، وچه بدسرانجامی است!».

ومی فرماید:

ﭽ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﭼ المنافقون: ٤

«آنان خود دشمن اند، پس ازآنان برحذرباش، خداوندهلاک شان کند، چگونه بیراهه می روند؟!»

چنانکه لازم است مسلمانان، ازراه وروش فریبکارانه بسیاری ازآنان که نصوص شرعی- آیات واحادیث- را تحریف وتأویل نموده و معانی والفاظ ویا مفهوم ومقصود آن را، باپیشکش نمودن شبهات باطل وبی اساس، برای مردم ارایه میدارند، آگاهی داده شوند. همچنان لازم است دنباله روان حلقه بگوش این گروه مکارکه تحت تاثیرشکست مادی ومعنوی، که درعصرحاضر گریبان گیرآنان شده، نصیحت وتوجیه و راهنمایی شوند، تا همچومردمان فریب خورده ساده لوحیکه حس عزتمندی وافتخاربه احکام وقوانین این دین عزیز در وجود شان ضعیف شده و زیرتأثیرتبلیغات وشبهات گمراه کننده این گروه منافق رفته اند، به خودآمده، وبه عزت واعتلای دین اسلام پی ببرند.

**اصول وضوابط شرعی درمورد حقوق ووظایف زن**

درتاریخ اسلام ومسلمانان مشکلی بنام(مسایل زن) چه در اوج قدرت وعزت شان، وچه درزمان ضعف وشکست آنان وجود نداشت، ولی هنگامیکه غرب وفرزندان غرب زدۀ شان، امراض ورنجهایی گوناگون را با تبلیغات شان درجوامع بشری-که کشورهای اسلامی نیزشامل آن میباشد- انتقال دادند، مسایل وپیامد های بنام (مسألة زن) مطرح گردید که گویی هیچ موضوع مهمتری جزمسألة زن قابل بحث ومناقشه نیست، غربی ها ودنباله روان آنان صداهای بنام آزادی زن را درجامعه مسلمانان بر اساس طرز فکری سیکولرسی غربی بلندنمودند.لذا لازم می بینیم که بعضی ازاصول وضوابط شرعی مربوط به زن راکه دین مبین اسلام آنرامقرر وتعیین نموده بیان نماییم :

1- زن طرفی از دو جنس بشری بشمار می رود، خداوند می فرماید: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭼ النجم: ٤٥ «و اوست که جفتهای نر وماده را می آفریند» چنانکه زن پاره وجزوی ازیک نفس انسانی است، خداوند می فرماید: ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ النسا:1

« ای مردمان! ازخشم پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاریکه شمارا ازیک انسان بیافرید وسپس همسرش را از اوپدید آورد».

پس زن در اصل ومنشأ و سرنوشتش، خواهر مرد بوده، ودرراه آبادی وبهبودی جامعه – دراموری که به هرکدامی آنان تعلق می گیرد- همراه وهم مسیر است، همچنان درمسایل عامۀ دینی، مانند توحید و اعتقاد، پاداش وکیفر، وبلآخره در همه قوانین ومقرراتی که مربوط به حقوق و وظایف آنها است فرق وتفاوتی میان این دو جنس وجود نداشته و ندارد، خداوند می فرماید:

ﭽ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﭼ النحل: ٩٧

«هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند واو مومن باشد، بی گمان به زندگی پاک وپسندیدای زنده اش میداریم ومسلما به آنان برحسب نیکوترین آنچه می کردند، پاداش می دهیم» و پیامبر بزرگ اسلام می فرمایند: ( إنًما النِساءُ شَقائِقُ الرجال) نزد ابوداود وترمذی «همانا زنها، خواهران مردان اند» از اینرو میزان عزت وکرامت در نزد خداوند تقوا وپارسایی است، چنانکه خداوند می فرماید: ﭽ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﭼ الحجرات: ١٣

«بی گمان گرامی ترین شما در نزدخدا، متقی ترین شماست» وهیچ تعبیردقیق، بلیغ ورساتری ازاین لفظ درنخواهیم یافت، هنگامیکه خداوند فرمود:ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭼ آل عمران: ١٩٥ «همه از همدیگرید». یعنی: مردان شما در طاعت الله تعالی مانند زنان شماهستند، وزنان شمامانند مردان شما، زیرا هردوجنس، ازنسل آدم وحوا بوده وهردوجنس مکلف می باشند.

همچنان خداوند فرموده: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢﭼ

آل عمران:١٩٥ «آنگاه پروردگارشان دعای ایشان راپذیرفت وپاسخشان دادکه من عمل هیچ کسی از شماراکه به کار پرداخته باشد- خواه زن باشد یامرد- ضایع نخواهم کرد، پاره ای ازشما از پارۀ دیگر هستید».

پس هر دو نوع زن ومرد درمفهوم ومعنای انسانیت، و در عموم احکام وقوانین دین ومیزان عدل الهی باهم برابراند.

وحکمتی را که خداوند آفریدگار لازم دانسته اینست که زن با مرد درآفرینش، هیئت وتکوین برابر نباشند، وهمین اختلاف وتفاوت های که در نهاد هردوجنس گذاشته شده، سبب می گردد که فرق وتفاوت های در توان ونیروی جسمانی و عواطف وخواسته ها واراده های آنان نیز ظاهر گردد.

خداوند می فرماید: ﭽ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﭼ آل عمران: ٣٦ «پسر مانند دخترنیست».

ودر مورد زن می فرماید: ﭽ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﭼ الزخرف: ١٨ «آیاکسی راکه درلابلای زینت وزیور پرورش می یابد، وبه گفتگو وکشمکش دربحث ومجادله نمی تواند مقصود خود را خوب وآشکار بیان واثبات کند». تفاوت واختلافی که هرکدام، زن ومرد برآن سرشت شده اند، سبب شده تا حکمت ها واحکامی در مورد طرفین ایجاد شود، این اختلاف که البته نظر به حکمتی که خداوند دانا وآگاه آنرا بهتر می داند، تفاوت های را در بعضی ازجوانب تشریعی، کار و وظیفه، که با تکوین وخصوصیت های دو جنس سازگار است، لازم گردانیده است. خداوند می فرماید:

ﭽ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﭼ الأعراف:٥٤

«آگاه باشیدکه تنها او می آفریند وتنها او فرمان می دهد. بزرگوار ودارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است». پس ارادۀ آفرینش عالم هستی که خداوند آنرا مقدرگردانیده، با ارادۀ دینی وشرعی خداوند در اوامر واحکام وتشریعات، هر دوباهم درشأن زن ومرد یکجاشده تا مصالح عامه، وآبادی جهان وتنظیم حیات فردی واجتماعی بشریت تأمین گردد.

2- براین حقایق ثابت، احکام شرعی عام مرتب می شود تا این حقیقت را ثابت واستوار نگه دارد، ماننداحکام متعلق به خانواده، چون خانواده درنظام اسلامی یگانه زیر بنا ونهاد جامعه بشمار می رود، پس نظر به قوت وهمبستگی خانواده، آسودگی، شایستگی، امنیت وآرامش جامعه نیزتأمین می شود. نقش خانواده در اسلام بسیارمهم بوده واهداف ومرام بزرگی همچوآرامش، رحمت ومهربانی وعطوفت میان افراد جامعه را محقق میسازد. خداوند می فرماید: ﭽﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﭼ الروم: ٢١

«ویکی ازنشانه های- عظمت- خداوند این است که ازجنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تادرکنارآنان بیارامید ودرمیان شماوایشان مهرومحبت انداخت» بویژه نقش زن در قوت وهمبستگی خانواده مهم وبنیادی بوده وبروز هرگونه هرج ومرج وبی غوری زن درمورد خانواده، انعکاس بدی برافراد خانواده دارد، پس جامعۀ سالم با تصمیم قاطع ودوراندیش، دربرابر بیخردی ونادانی های جاهلیت عصرحاضرکه ازمقام زن کاسته و نقش وی را درخانواده نادیده گرفته ومسؤلیت های سنگین خانوادگی که بدوش دارد آنرا بی اهمیت جلوه میدهند، ایستادگی جدی نمایند چون زن مسلمان واقعا بخاطرمصالح خانواده وجامعه مسئولیت بس بزرگی را متحمل می شود.

در مقابل بر مرد لازم است رنج ومشقت کار و برآورده ساختن نیازمندی های خانواده راکه شریعت اسلام بروی واجب گردانیده است متحمل شود. خداوند می فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭼ النساء: ٣٤

« مردان برزنان بزرگ وحاکم اند، به سبب آنست که الله برخی آدمیان را بر برخی، برتری داده است ».

همچنان الله می فرماید: ﭽ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮡ ﭼ البقرة: ٢٢٨

« وبرای زنان است – برعهدۀ مردان – همانندآنچه بر عهدۀ زنان است بطور پسندیده و- لیکن – مردان را برآنان ( زنان ) درجه ای برتری هست ».

بزرگی وحاکم بودن مرد به این معنی است که وی رهبری وقیادت جامعۀ کوچک یعنی خانواده را بدوش داردکه وی شرف آنرا حاصل نموده ونباید از توانمندی خود سوءاستفاده نموده وراه ستم پیش گیرد.

قیادت مرد برخانواده به مصلحت زن وهمه افراد خانواده است، زیرا مسئولیت نفقه وتهیه نمودن خوراک وپوشاک، حفظ ونگهداشت آنها همه وهمه برمرد واجب است، لذا باید از رئيس خانواده اطاعت درست صورت گیرد، البته اطاعت درکاهای نیک وشایسته، ونه اینکه فرمانبرداری مطلق. پیامبر می فرمایند: «همانا اطاعت در معروف است» متفق علیه. یعنی اگر مردی خانواده اش را به معصیت ونافرمانی خداوند امرنماید، پس درچنین حالت اطاعت وی براعضای خانواده لازم وواجب نیست.

1. مرد مکلف است نفقه زن را بدوش گیرد، زیرا نفقه حق مسلم زن، ونصیب فرض شدۀ وی درمال مرد است، که از وی درحالت قدرت وتوان ساقط نمی گردد، خداوند می فرماید:

ﭽ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﭼ الطلاق: ٧

« بایدکه خرج کند توانگر از توانگری خود، وآن کس که بروی روزی اش تنگ شده است پس باید ازآنچه که خداوند به او بخشیده است خرج کند. خداوند هیچ کس را جز به آنچکه به اوبخشیده است مکلف نمی کند به زودی خدا پس ازتنگدستی آسایشی را پدید خواهدآورد».

واین نفقه حق ثابت ومسلم زن بوده ربطی به حقوق واموال شخصی زن که درتصرف وی است ندارد، زیرا زن در اراده وآنچه که تحت تصرفش است آزادی واستقلالیت برابر با مردان دارد، واین حقیقتی است که شریعت پاک اسلام آنرا تعیین و مقرر نموده است. جاهلیت عصرحاضرکه تا نیمۀ دوم قرن بیستم دوام کرد، زن رادرگردآوردن مال ومصرف نمودن آن،کم اهل وناقص معرفی نموده- چنانکه درقوانین ومقررات لاتینی وجود دارد- امادرنظام ومقررات اسلام، زن دراین حوزه شخصیتی مستقلی مانند مرد شمرده شده وازاهلیت کامل برخوردار است، وتفاوتی دراین عرصه میان زن ومرد گذاشته نشده است.

1. رابطه میان زن ومرد درجامعۀ اسلامی و داخل خانواده، براساس تکمیل کنندۀ یکدیگر در نقشهای مربوط به هردو جانب می باشد- یامیتوان تکمیل کننده وظیفوی آنرا نامید- و ازجمله اهداف ومقاصد این همبستگی تکمیلی میان زن و مرد اینست که مرد آرامش واطمئنان خاطر، دوستی ومحبت ورحمت را دراین رشته دریابد، چنانکه خداوند می فرماید:

ﭽ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﭼ الروم: ٢١

« و ازآیات- عظمت- او تعالی این است که از خودتان برایتان همسرانی آفریده تابدانها آرام گیرید ودرمیان شما مودت ورحمت نهاد».

لفظ سکون کلمه ای است که هیچ تعبیری رسا وبلیغی در زبان عربی مانند آن وجودندارد، وشایددرزبانهای دیگرنیزهمچومعانی که این کلمه دربردارد، وجود نداشته باشد،کلمۀ سکون چند معنایی را دربرداردمانند: امن، راحت، اطمینان، آرامش، انس ومحبت که وجود همچو صفات تاثیر وانعکاس مثبت برخودهمسران وفرزندان شان، وبلآخره برهمه افرادجامعه دارد. پس هنگامیکه فرق وتفاوت درصفات بدنی ونیروی جسمانی و روانی هردوجنس وجودداشته باشد، بدیهی است که در وظایف زند گی اجتماعی نیزتفاوتهای ایجادخواهدشد، ازاینرو متمم بودن دوجنس در وظایف ومسئولیتها وحقوق، ثمره وحاصل عدل وانصافی است که آیین اسلام همچو روابط وعلایق را استوار وپایدارنگهداشته است.

بنابراین شریعت اسلامی حوزه کار وعمل مرد ونوعیت آنرا در زندگی اجتماعی مقرر وتعین نموده است، چنانکه میدان کار وعمل اساسی زن ونوعیت آنرا نیز نشانه گزاری ومحدد ساخته است. این مقررات ومحدودسازی های وظایف زن ومرد راعقل سلیم وسرشت وفطرت راست ومستقیم پذیرفته ومی پذیرد، بلکه با آن سازگار وهم آهنگ می شود، وسرانجام موجب تکامل، توازن، امن وآرامش اجتماع شده بدون اینکه یک جهت سنگینی مسئولیت را بیشتر ازحد وتوان جسمی اش، وآنچه که رسم وعادات برآن معمول است، بردارد.

لذا تحمیل نمودن وظایف ومسئولیت های مرد برزن، بدون نیازشخصی زن ویاجامعه، ظلم وجورمحسوب می شود، زیرا اینکار نه تنها تجاوز برعدل ودادی که درموردحقوق وواجبات آنهاتعیین ومقررشده می باشد، بلکه تعرض وبی احترامی برکرامت وحقوق زن تلقی می شود.

5- حالا که محدودۀ وظیفۀ زن درزندگی اجتماعی مشخص شد، سخن حتما متوجه تعلیم زن می شود، ازاینرو ما تأکید برآن داریم که تعلیم زن دراموریکه بنده جز بوسیله آن پروردگارش راپرستش نمیتواند، مانندفرایض مربوط به ایمان ویا فرایض عبادات وغیره واجب شرعی است که زن ومرد دراین مورد باهم برابر ومشترک اند، پیامبراکرم می فرمایند:

« آموختن علم ودانش برهرمسلمانی واجب است » روایت ابن ماجه.

پس تحصیل وآموختن علوم ومعارف، نظر به وظیفه ومسؤلیت هریکی (زن ومرد) برآنها لازمی وواجب میگردد، اماآموختن علوم ومعارف بیشترازآنچه ذکرشد، ازجمله امورمستحبی است که نباید بردیگر واجبات ضروری متعلق به امور دنیوی واخروی تنگی وفشارآورد.

6- شریعت اسلامی که حمایت کنندۀ سرشت انسانی بوده و برعدل استوار است، حامی ونگهبان حقوق زن درجامعه می باشد، و نسبت به قوانین ومقررات تصویب شده ازجانب سازمان ملل متحد مربوط به حقوق انسان، اهمیت فراوانی به حقوق زن قایل است. درحالیکه جاهلیت عصرحاضر این حقوق را نادیده گرفته واگربی حرمتی وتجاوزی برآن صورت گیرد، توجه والتفاتی به آن نمیکند.

بطورمثال: حق زن در ازدواج مطابق احکام وقوانین شریعت اسلامی، وحق وی درمادر بودن، وحق وی درمورد اینکه خانۀ داشته ومسؤلیت آنرا بدوش گرفته بتواند و مانند زمامدار کشوری کوچکی سرپرستی امور به او تعلق بگیرد، وموقع وفرصت کامل بوی داده شود تا وظایفی که موافق باسرستش است آنرا بصورت درست اجرا نماید.

لذا هرجامعه وهرگونه قانونی که مانع ازدواج زن گردد، ومجال وساحه را بروی تنگ نماید، درحقیقت حقوقش را پایمال نموده وظلمی بزرگی را بروی روا داشته است.

زن درشریعت اسلامی حق دارد تاهمسر و همسفر زندگی خویش را درمحدودۀ فرمودة پیامبر برگزیند،چنانکه آنحضرت فرموده اند:«هرگاه کسی ازدخترشماخواستگاری نماید وشما ازاخلاق ودین پسرراضی باشید،پس وی رانامزدش سازید»روایت ابن ماجه .

زن میتواند- درحالت عدم پایداری زندگی زناشوهری- ازادامۀ زندگی باشوهر کناررفته، وعقد را فسخ نماید، ودراین مسأله دلایل ونصوص صحیحی وارد است که آنرا تأیید می کند، پس لازم است درهنگام اختلاف ویا اجتهاد دراحکام، به آن مراجعه شود.

7- نگهداری عفت وآبرو یک اصل شرعی عام بوده و شامل مقاصد شرعی می باشد، مقاصد شرعی عبارتند از: حفظ دین، نفس، آبرو، عقل، ومال که علماء بر حرمت و حیثیت آن اتفاق نظرداشته اند وتمامی احکام و مقررات شرعی بر مبنای آن اتخاذ می گردد، پس هرگونه عیبجویی در آن مردود شمرده شده و در حقیقت تخطی و تجاوز بر شریعت اسلامی و اهداف والای آن، وجامعة اسلامی محسوب می شود. و هرگاه غرب در مسئلة مربوط به حقوق زن در اسلام انگشت انتقاد را متوجه سازد، درحقیقت ازخط قرمز عبور کرده و این حق مسلم زن مسلمان را پایمال کرده اند، و درمجموع این عملکرد آنها تعرض به شریعت و مجتمع اسلامی شمرده می شود، و اگر جلو آنان گرفته نشود سبب نشر وشیوع فواحش و رذائل همانطوریکه در میان خود شان بوقوع پیوسته، خدا نا خواسته در میان مسلمانان نیز سرایت می کند.

خداوند می فرماید:

ﭽ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇﭼ النور: ١٩

«به راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه درمیان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود برایشان عذابی دردناک در دنیا وآخرت است، وخداوند می داند وشما نمیدانید».

لذا قانون گذارحکیم ودانا احکامی را بخاطر حفظ وحمایت این مبدأ وضع نموده، ازجمله ازدواج میان مرد با زن را قانون گذاشته، واین رشتة زنا شوهری را پیمان قوی نامیده است، چنانکه الله می فرماید: ﭽﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭼ النساء: ٢١ «زنان پیمان محکمی - هنگام ازدواج- ازشما گرفته اند». وبخاطر مصئون بودن این مبدأ از بی حرمتی وتجاوز، قوانین ومقرراتی وقایویی را وضع نموده که بالای مرد وزن یکسان تطبیق می شود و باید جدی آنرا مدنظر بگیرند. وراههای منتهی به اعمال زشت و ناهنجار را کاملا مسدود کرده است. بطور مثال اختلاط زنان با مردان نامحرم و یا خلوت با نا محرمان، خصوصا سخن گفتن زن بامرد نامحرم به نرمی وملایمت، چنانکه زنان فتنه گرهمچو اعمالی را انجام می دهند، وغیره اموریکه عواقب زشت و خلاف اخلاق و تربیه اسلامی دارد، ممنوع قرار داده و آنرا ناروا شمرده و مرتکبین آنرا موجب عذاب گردانیده است.

همچنان شریعت اسلامی در موردشیوع وانتشار فواحش درمجتمع اسلامی، برکسانی که خواهان وآرزومند همچواعمال زشت هستند، نیز باتندی وشدت رفتارنموده است. به همین منظور احکام مربوط به حجاب وعدم نگریستن بسوی نامحرم را دستور داده وبرتجاوزکاران این مبدأ عقوبت های مانند حد زنا، وحد قذف(تهمت)، وتعزیرهای مختلفی را بخاطرحفاظت وحراست آبرو، ومحترم شمردن پاکی وعفت افراد جامعه وضع نموده است.

خداوند زنا را بر هردوجنس – زن ومرد – حرام قرارداده وآنرا از امور زشت وقبیح پنداشته است، خداوند می فرماید:

ﭽ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﭼ الإسراء: ٣٢

«وبه زنا نزدیک نشویدکه زنا گناه بسیار زشت وبدترین راه وشیوه است»

8- حجاب سنگر و قلعۀ مستحکمی است که ازعفت و آبروی زن حفاظت نموده ومانع پخش فواحش ورذالت می گردد، چنانکه حجاب مظهر و نمای افتخاربه آداب شرعی بوده، پاکی وعفت مرد، زن وجامعه را وارسی وتحقق می بخشد. حجاب زن مستحب نبوده وتنها رمز و نشان، مربوط بوی نیست که هرگاهی بخواهد پیکرش را با آن بآراید، وهر وقتیکه خواسته باشد آنراترک نماید، بلکه حجاب واجب دینی است که خداوند تعالی آنرا بر زنان لازم گردانیده، تا از هرگونه زشتی مصئون بمانند، وعفت وپاکی خویش را همچو مادران مؤمنان- همسران پیامبربزرگ اسلام - اعلان نمایند، تا شهوت رانان به آنان طمع نورزند، چنانکه خداوند می فرماید:

ﭽﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﭼ الأحزاب: ٥٩

«ای پیغمبر! به همسران ودختران خود وبه زنان مومنان بگوکه روپوش های خود را جمع وجور برخویش فروافگنند.تا این که- اززنان بی بندوبار- دست کم بازشناخته شوند، ودر نتیجه مورد اذیت وآزار(اوباش ها) قرارنگیرند، خداوند آمرزنده ومهربان بوده و هست».

دشمنان اسلام توطئه وجنگ علیه حجاب را بصورت آشکار آغازنموده و دراین مبارزه شهوت پرستان مسلمان نما و مردمان فساد پیشه، همگام با آنان علیه مقدسات دینی برخاسته اند، وشاید هم گاهی مفکوره و نظریة پلیدخویش را راجع به حجاب پنهان نموده ودر ظاهر آنرا بپذیرند، لیکن بامسخ نمودن حقیقت حجاب ودگرگون ساختن و جهت دادن آن بسوی فرهنگ وعنعنۀ قلابی، که پذیرش هرگونه تکامل واختصار را دارد، اهداف شوم خویش را پیاده نموده، غایت ومرام آنرا کاملا ریشه کن و ازمیان می بردارند. وهرگاه اهمیت وارزش حجاب وبهای مربوط به آن را درک نماییم، شک و شبهه ای را که دشمنان ایجاد کرده اند همه زائل شده به دساسیس آنها اطلاع پیدا می توانیم، و برای ما آشکار می شود که غرب شب و روز در توطئه چینی وجنگ علیه حجاب بوده وعداوت قدیمی که با دین اسلام دارند می خواهند انتقام را تا جایی از این راه و بدین وسیله از مسلمانان بگیرند. امروزغرب درمقابل حجاب ازخود حساسیت نشان داده و زنان پابند به حجاب را زیر فشار قرار می دهد زیرا بر آنان سنگینی میکند که زن مسلمان مستور و با عفت، وزنان خود را مثل حیوان دریابند، حال آنکه هیچ لباسی مربوط به طایفه های دینی دیگر، یا سایر نژاد های بشری مورد فشار قرارنمیگیرد طوریکه زنان با حجاب مسلمان زیرفشاراند! البته شواهد واسناد بسیاری وجود داردکه زنان باحجاب درکشورهای غربی که ادعای دفاع وحمایت ازحقوق شخصی را دارند، ویا دربعضی از کشورهای اسلامی وعربی که قوانین آنها مبتنی برسیکولرزم است، چگونه تحت فشار ومزاحمت های قانونی وعملی گوناگونی قراردارند، و کسانی که اوضاع جهان را تعقیب وپیگیری می نمایند، دراین مورد بهترآگاهی دارند.

9- پس زمانیکه حجاب قانونی استوار ومتین، وفریضۀ ثابت ومسلم بخاطرحفظ کرامت زن و مجتمع اسلامی است، بخاطر نگهداشت مبدأعفت، قانونی دیگری نیز مربوط به آن وضع گردیده وآنرا تقویت بیشتربخشیده است که عبارت است از مباح بودن تعدد یاچندزنی مرد، که متاسفانه بوسیلۀ رسانه های اطلاعاتی دشمن، و از لابلای عملکردهای نادرست بعضی ها، صورت حقیقی آن را زشت جلوه داده اند. با وجود آنکه واقعیت عملی این قانون- حتی درجوامع غیراسلامی نیزدر بلند بردن مقام ومنزلت وارزش زن کمک به سزایی نموده است. بخاطرتوضیح بیشتردراین مسأله میتوان مقایسه کرد میان جوامعی که قانون تعدد درآن حکمفرماست که چگونه زن از منزلت وقیمت بزرگی برخوردار شده است، ودرمقابل جوامعی که زن را ازاین حق محروم گردانیده اند، چگونه کم ارزش و مسلوب الاراده شده و حق شخصی ایشان تلف شده است. پس تعدد- چندزنی- قانونیست ثابت واستوار، مشروط براینکه میان همسران عدالت صورت گیرد، تاعزت وکرامت زن تحقق یافته وازدواج وی به شکل آسان، وباکرامت وعفت صورت گیرد، وزندگی مرفه وسعادتمند نصیبش گردد. البته صرف نظر ازحالاتی که درآینده شاید واقع شود مانند بیوه گی، طلاق وبزرگسالی که آنهم مسائلی علیحده است، اما در مقابل حالات اجتماعی زیادی است که راه حل آن جز با تعدد یاچند زنی امکان پذیر نیست، مانند عقیم بودن زن، یامریضی، ویاطبیعت وچگونگی کار وپیشۀ وی، ویا وضیعت قانونی مانند تابعیت وی، وحالات دیگری که درهمه حالات فوق بدیلی برای تعدد، جزطلاق وجودندارد، یعنی باید همسر را طلاق نماید تا بتواند با دوشیزة دیگری ازدواج کند و طبیعی است همسر طلاق شده در وضع بحرانی قرار گرفته و شاید هم بی سرنوشت شده و باردوش جامعه گردد، اما اگر در موجودیت همسر اولی با زنی دیگری ازدواج کند، وعدالت را میان آنان برقرار سازد، همه خانواده سعادتمند خواهند شد. ولی در مجتمعاتی که تعدد زوجات ممنوع است درحالات فوق الذکر ( عقیم بودن، مریضی دوامدار..) همسر مجبور می شود به طلاق متوسل شود تا بتواند با دیگری ازدواج کند که این اقدام از یکسو ظلمی است که بر زن واقع می شود و از سوی دیگر به شوهر هم صدمه روحی وارد میگردد، درحالیکه هردو راحت وسکون وآرامش برای یکدیگر بوده اند، علاوه بر این چندزنی دربسیاری از احیان سبب حفظ کرامت کودکان می گردد، بویژه یتیمان وآنعده کودکانیکه پدران خود را از دست داده و ازمهر و محبت پدرمحروم گردیده، آوارگی ویاداخل شدن به دارالایتامها سرنوشت آیندة آنان را مجهول ساخته است پدر بدیل ومناسب ترین حل برای همچوحالات خواهد بود، خداوند می فرماید: ﭽ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﭼالنساء: ٣

«واگرترسیدیدکه دربارۀ یتیمان نتوانیدعدالت ودادگری کنید، پس بازنان دیگری که- برای شماحلالند ـ ودوست دارید، با دویاسه یاچهارتا ازدواج کنید، اگرمیترسیدکه نتوانید میان زنان عدالت را مراعت کنید، به یک زن اکتفا کنید یا باکنیزان خود ازدواج نماید، این نزدیکتر به آن است که ستم نکنید»

پس اسلام یگانه مرجعی است که به مصالح همه اعم از مردان وزنان رسیدگی نموده واهداف ومقاصد ازدواج برای طرفین را محقق می سازد، وهرگونه نیازمندی های روانی واجتماعی آنان، اعم ازعفت، آرامش فرزند را متوفر می سازد، هرچند اگرگاهی به رغبت های بی موقع ویا مصلحت های محدود وباریک متعلق به زن شوهردار – بیوه – تعارضی هم ایجادگردد.

**بینش ونمای این منشور**

1- دین اسلام بعد ازآنکه مساوات میان مرد و زن را در دائره انسانیت وکرامت بشری، وحقوقی که ارتباط مستقیم به سرشت وطبیعت مشترک بشری می گیرد،تضمین نموده مساوی بودن آنها را هم درعموم قوانین ومقررات دینی تأیید نموده وپذیرفته است، ودرعین حال میان آنها دربعضی ازحقوق و وظایف فرق می گذارد، البته این تفاوت وفرق گذاری نظر به اختلافات فطری که بطور قطعی ومحقق میان زن ومرد موجود است درنظرگرفته شده است، زیرا در وظایف، اهداف وسرشت هردوجنس که برآن آفریده شده اند، اختلافات و تفاوت های وجود داردکه باید هرکدام (مرد و زن) وظیفۀ بنیادی خویش را براساس آن باشکل درست انجام دهند، ازاینجاست که فریاد وغوغاهایی ازجانب کنفرانس های ویژه یی زن، وکارگردانان وپیش آهنگان آنان برپاشده، ونهضتهای جهانی منسوب به زن، ودنباله روان وترویج دهندگان این اندیشۀ ناپاک، درکشورهای اسلامی نیز صداهایی را بنام مساوات وبرابری میان مرد وزن بلند نموده اند. آری: مساوات از نگاه انسانیت وخواسته های آن امرطبیعی وتقاضای عادلی است، زیرا زن ومرد دوجهت جدا ناشدنی نسل بشربوده، واسلام نیز برآن اعتقاد واعتراف دارد، وهیچگونه پوشیدگی دراین امر وجودندارد. امامساوات وبرابری در وظایف زندگی وروشهای آن چگونه قابل تنفیذ و اجرا خواهدبود؟ آیااین کنفرانسها ونهضتهای مربوط به زن، و وابستگان وهواخواهان این اندیشه، توان آن را دارندتا با همچوکنفرانس ها وگردهم آیی های شان سرشت وطبایع اشیاء را دگرگون سازند؟ ویا میتوانند فطرت بشری زن را تغیردهند؟! امتیاز بزرگی که اسلام برسایرمکتب های فکری دارد اینست که آیین ونظام آن واقعی بوده ودرمورد زن ومرد بصورت واقع بینانه وبا درک نمودن فطرت بشری هردوجنس، حکم وفرمان صادرنموده است، وزمانی که مساوات میان زن ومرد منطقی وموافق بافطرت وسرشت شان باشد، مساوات را می پذیرد، وهرگاهی تفاوت وفرق گذاشتن میان آنان منطفی وموافق بافطرت شان باشد. تفاوت را معتبر ومعقول می داند. خداوند می فرماید: ﭽ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭼ الملك: ١٤ «آیاکسی که آفریده است نمی داند؟ بااین که اوخود لطیف وخبیراست». بدون تردید هراندیشه ونهضتی که مخالف باروشهای اجتماعی وسرشت بشری پایه گذاری گردد، سرنوشت آن به ناکامی حتمی وتباهی می انجامد، واین یگانه سبب ناکامی نهضت وحرکاتی که خواهان آزادی ورهایی زن اند – حتی درکشورهای غربی – وآرزومند محقق شدن آن اند، میباشد، لذا برجوامع مسلمانان لازم است با عقل وحکمت، از سرنوشت بد و ناهنجاری که جوامع غربی دچارآنند، درس عبرت گرفته وبه حقایق مسلم برگردند، وبه عدل وانصاف فرامین ودساتیر والا و صایب دین اسلام درمورد زن پی ببرند وگردن تسلیمی را خم نمایند.

2- شریعت اسلامی فرق گذاری ظالمانه ای که حقوق زن را پایمال نموده وبه کرامت وی خدشه وارد می نماید حرام قرارداده است. درنظام وقوانین واحکام اسلامی هیچگونه غفلت وبی غوری درعدالت میان زن ومرد ویا تفوق وطرفداری مرد برزن وجودندارد. ونظریات برخی ازمردمان شکست خورده، ویاجاهلان وبی خردانیکه ازشریعت مطهراسلامی، وازحکمت این تفاوتها وفروق فطری میان زن ومرد آگاهی نداشته وآنرا درک نتوانسته اند، مورد اعتبار نیست، همچنان کسانیکه ازاختلاف دراحکام شرعی متعلق به زن، و وظایف وحقوق مسلمی که نظر به سرشت وخلقت آنان وضع شده است آگاه نیستند، نظریات آنها نیز مداراعتبار نبوده و نیست، وهرگونه دعوایی که مغایربا آنچه باشد که برای زن درشریعت اسلامی محدد و تعیین شده باشد- هرچند این دعوا ازجانب دشمن مغرض ویادوست جاهل- دامن زده شود، همه وهمه برتصور های خیالی، ویا عدم آگاهی آنان، ویابر دلایلی باطل بنا نهاده شده است، و مردود شمرده می شود. چنانکه گفته شده- بطورمثال- برای زن درمسألۀ میراث، برای مرد دو برابر زن حصه داده می شود یعنی در حالاتیکه زن در قرابت با مرد قرار داشته می باشد نصف حصه به او می رسد نه کامل، پس این نمونه ای از تهجر و فرق گذاریی است که بر زن وضع شده است. درجواب میگوییم: این برداشت، از مفهوم مساوات وبرابری زن ومرد که اسلام برای شان عنایت فرموده، دور ازمفهوم عدلی است که اسلام براساس آن روابط انسانی را پایه گذاری نموده است، باید متوجه شوند که حقوق نظربه وظایف ومسولیتها تعین ومقرر گردد. پس زمانیکه اسلام نفقۀ زن وپرداخت مهر ودیت وتاوان ونحو آن را برمرد ملزم گردانیده، از روی عدل وانصاف شریعت درمسألۀ میراث حق مرد را مراعات نموده است، پس هرکسی جامع بودن احکام شریعت اسلام را نادیده بگیرد، درهمچو لغزش واشتباه می افتد. همچنان گفته شده – شمردن شهادت دو زن درمقابل یک مرد(شهادت دادن دو زن برابر است به شهادت دادن یک مرد) که این نمای ازفرق گذاری میان مرد و زن است. درجواب میگویم: این ادعا دلیل بر بیخبری وعدم آگاهی ازطبیعت وسرشت زن است که خداوند باحکمتی بزرگی باهمچو صفاتی وی را آفریده است وازطبیعت وسرشت زن آنست که شاید در درک حقایق امور، فراموشی ونارسایی صورت گیرد، پس بخاطر حفظ وحمایت حقوق، وجود زنی دیگری درگواهی دادن باوی لازم وضروریست، خداوند می فرماید: ﭽ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﭼ البقرة: ٢٨٢

«اگریکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد». واینرا هم باید دانست که گواهی یک زن درمسایل مربوط به خود آنان، مانند رضاعت (مکیدن کودک ازغیر مادرش) واثبات بکارت دختران (دخترشوهر نکرده) وعیوب وعلت های داخلی ومستور زن وغیره..... قابل اعتبار است.

ومثال دیگری که شاید گمان وتصورآن دربعضی اذهان ایجادگردد که گویا میان زن ومرد درمسألۀ دیت تفاوت گذاشته است، یعنی دیت زن (خون بها یا تاوان) نیم دیت مرد است، درجواب میگویم: این تصور نادرست زمانی دفع میگردد که دانسته شود بهره وسود دیت را خود مرده – مرد باشدیازن – نه، بلکه ورثۀ آنان حاصل می نماید وضررمادیی که با ازدست دادن سرپرست ومسئول نفقه، بر ورثه وارد می گردد – که غالبا مردمی باشد – هیچگاهی ضررآن برابر بامردن شخصی دیگری نیست که نه سرپرست ونه مسئول نفقه آنان. واما در بقیه قوانین تلافی وتاوان، به شخص متضرر برابر با ضرر وی تعویض داده می شود.

این سخن زمانی تحقق مییابد و برجاخواهد بودکه صاحب حق درگرفتن تاوان وغرامت جزوی، خود شخص مصیبت رسیده باشد – زن باشد یامرد – به عبارت دیگر، دیتی که دربدل ازبین رفتن عضوی ازاعضای شخص، و زنده ماندن خودش پرداخته می شود، درهمچوحالت حکم پرداخت دیت میان زن ومرد مساوی بوده ومقدار آن نظربه اجتهاد فقها تعیین می گردد.

پس امیدواریم مثال های بالا حکمت های راکه در وجود تفاوت وفرق گذاری میان زن ومرد است آشکار ساخته باشد – واین خود برجسته ترین جواب ومثالی برای آنعده مردمانی باشد که گفته اند: این نمای فرق گذاریی است که علیه زن وضع شده است – چنانکه همچومثالها بیانگر عدل مطلق درتفاوت گذاری بعضی از احکام وقوانین میان مرد وزن را ظاهرساخته، وموافق ومناسب بودن آنرا باخلقت دقیق ایندو جنس بیان نموده، وهم آهنگی آنرا با اصول وقواعدشرعی ثابت می سازد.

1. زن باداشتن جسد، فکر، عاطفه و وجدانی خاصی که برآن آفریده شده است، آماده بر اجرای وظایفی اساسی معینی می باشد که عبارت از مادر شدن وی است، واگراین وظیفه را انجام ندهد، درحقیقت طاقت ونشاطی که بمنظورهدف معینی آماده ومهیا شده، بیهوده ازدست خواهد رفت، و وی را از راه اصیلی که برآن سرشت شده منحرف میسازد، آری! اگرضرورت یانیازی شخصی یا اجتماعی برای کارکردن زن خارج ازمنزل رونما گردید، اعتراضی وجود ندارد، اما وادار کردن زن بدون ضرورتی، وتنها بخاطرشهوترانی احمقانه ای که برخی ازمردمان این عصر به سبب اوضاع تاریخی و فرهنگی به آن مبتلا گردیده، ویا اینکه میخواهند بیش ازحد ازهمچو وضع لذت برده وبهره مند گردند، پس منتظر طوفانی بربادکنندۀ باشند. این امریست که هرگز از آیین اسلام انتظار قبول آن نمیرود، واگر روزی اسلام همچو مسایل بیهوده را بپذیرد بدون تردید ازمزیت بزرگ خویش دست کشیده است، واین مزیت وبرتری همانا حمایت و پشتیبانی از دوجنس بشری – مرد وزن – بوده که تکمیل کنندۀ یکدیگر اند، وبطورکلی، بشریت عبارت از وجود وهستی ونژاد ونسل وتوده های وابسته بهم اند.

زن نمیتواند درعین زمان مادر، ونوکرکسی دیگر باشد، ودو وظیفه را باتمام خواسته ها ومطالب آن انجام دهد، اما درمورد ادعای بی موردی که گفته اند پرورش دهندگان وتربیت کنندگان کودکان (خدمه) این مشکل را حل می نمایند، سخنیست بیهوده که عملی نمودن آن کارساده نبوده وهنگام آزمون آنرا ثابت کرده نمیتوانند، چنانکه انجام دو وظیفه برای زن مانع برآورده شدن مفهوم فرموده خداوند تعالیﭽ ﭺ ﭻﭼ ﭼ الأعراف: ١٨٩« تابدان آرام گیرد» که از بزرگترین اهداف ازدواج و زناشوهری و ایجاد خانواده می باشد، میگردد. پس در تولیدات مادی برای بشریت چه سودی خواهد بود- اگر امکان پذیر باشد- درحالیکه ازجانب دیگر، حاصل و فرآورد بشری را در تلف وهلاکت مواجه می سازد؟! اسلام دینی است که سرشت بشری و نیازمندیهای جامعه را همزمان باهم رعایت نموده و زن را به مسئولیت بنیادی و بزرگی که بدوش دارد متوجه می سازد، این مسئولیت نه تنها وظیفۀ اساسی او، بلکه عبادتی است که بخاطر آن آفریده شده، و بخاطر انجام این وظیفه بزرگ خداوند آنان را از برجستگی و هوش فوق العاده ای برخوردار نموده است. به همین منظور مرد را بخاطر آماده نمودن نیازمندیهای منزل متکفل ساخته است که هرگز از انجام آن رهایی وخلاصی ندارد این بر آن است تا زن بتواند با فکر آرام و بدون هیچگونه پریشانی و نگرانی در پیشبرد امور منزل فارغ البال گردیده و با تمامی قوت و طاقت، متوجه رعایت تولید انسانی گرانبها شده، و خانۀ دلخواهش را برای فرزندان وهمسرمهیا وآماده نماید. همچنان اسلام به همه امور زن رسیدگی نموده وی را از رعایت و احترام تام برخوردار ساخته است و مرد را در این راستا به تعامل نیک ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال می فرماید: ﭽ ﯢ ﯣ ﭼ النساء: ١٩ «وبا زنان به وجه پسندیده زندگانی کنید». وپیامبر فرموده اند: ( بهترین شما کسی است که با خانوادۀ خود رویۀ نیک دارد) روایت ترمذی. وهمچنان فرموده اند: (خواهان رفتار نیک بازنان شوید) روایت مسلم. چنانکه فرزندان را نیز به احترام وتوقیرمادر ترغیب نموده، آنحضرت درجواب مردی که پرسید: چه کسی مستحق تربه صحبت من است. فرمودند: مادرت) روایت مسلم.

4- دین اسلام مرد وزن مسلمان را برکار وعمل تشویق وترغیب نموده است، البته بامفهوم شرعی آن نه براساس مفهوم نادرستی که ازبیرون برمسلمانان واردشده است، مردمکلف به برآورده ساختن احتیاجات و ضروریات خانواده وبنای جامعه است، وزن نیزبه نوبت خود به امورمنزل وساختن زیربنای جامعه که عبارت ازخانواده است مکلف می باشد. چون موضوع مهم است می خواهیم درمورد برداشت نادرستی که در موردکار ووظیفۀ زن و بیرون رفتن وی ازخانه، میان بسیاری ازمردم شایع گردیده، توضیحی دهیم، زیرا زن را مشخص به وظایفی گردانیده اند که دراصطلاح فقها بنام (مزدورخصوصی)، یا (گیرندۀ مزد دربدل کار) یا، (کارهای که زن آنرا زیر دست مردی، مانند مزدروی، درمقابل مزدی انجام میدهد،که تنها رابطۀ مادی آنان را باهم یکجانموده است) ووظایفی را که زن درخانه انجام میدهد مانند: تربیۀ فرزندان ویا فرمانبرداری وآراسته ساختن برای شوهر، ورسیده گی ورعایت والدین وغیره راکار و وظیفه نمی شمارند، چنانکه غالبا زن بی وظیفه را عقب افتاده ونابکاره شمرده، ونشستن وی را درمنزل عیب دانسته اند. واشتراک نکردن وی در وظایف وکارهای بازاری را، بیکار وتعطیل شدن نیم افرادجامعه تلقی نموده اند، که این نظریه ای نادرست در اذهان بسیاری ازمردم – چه عامه ویا روشنفکران – بجز برخی ازمردمی که خداوند برآنها رحم نموده، تأثیر گذاشته است، تاجایی که هوش وفکر، وانتخاب دلخواه زنان امروزی این شده که باید بخاطر کار و وظیفه ازمنزل بیرون روند، والا نشستن آنها درمنزل بیکاری محسوب می شود!

لیکن رأی درست اینست که یکی ازاین دو راه را انتخاب نماید، اینکه مزدور واجیر در نزد دیگران باشند، ویااینکه وظیفۀ اساسی وحقیقی خویش را درمنزل بطور آزاد ومستقل انجام دهند.

خللی که در این نظریه وجود دارد اینست که زن را ملزم وناگزیرمیسازد تابرنفس خود وخانواده وجامعه فشارآورده، ووظیفۀ آزاد درمنزل را به مزدوری دیگران درخارج منزل انتقال دهد، که این عمل درذات خود، وی را وادار به ظلم درحق خودش، وتقصیر درحق همسر وفرزندان، ودرتنگنا قراردادن مردان درایجاد وظیفۀ مناسب می باشد. چنانکه این نظریه سبب افزایش بیکاری درجامعه، و بروز نتایج منفی بزرگی، مانند نا امنی، ضعف اقتصادملی، ازدیاد مشکلات اخلاقی، وکاهش فرصت ازدواج، وافزایش زنان بی شوهر وسالخورده می شود، که این تحول بنیادی در وظیفۀ زن جزهدف فربینده وخیالی وآفت را محقق نمیسازد، قابل یادآوریست که تحقیقات وپژوهش های اقتصادی که دریکی ازگزارش های مفصلی سازمان ملل متحد در اوایل دهه هشتاد میلادی صورت گرفت – که تاحال رد وتکذیب هم نشده – این بود که بیرون رفتن زن ازمنزل بخاطر وظیفه وکار اجیرانه،40 % هزینه ملی کشورخودرا برداشت می نمایند، که این امرمخالف باتبلیغات ورونق نمایی های است که درراه بیرون آمدن زن ازخانه بخاطر اجیرکاری جریان دارد، گویا که اقتصاد ملی ومحصولات محلی را کمک ورشدمی دهد! چنانکه همین گزارش درمادۀ دیگری می افزاید: (اگرزنان جهان درمقابل سرپرستی خانواده وبرپاداشتن کارهای منزل، مزدی بدست آورند، به اندازۀ نصف هزینۀ ملی هرکشوری خواهدرسید).

هرگاه زن براین گمان بوده و اصرار ورزد که وی باید اجیرکار ومزدور دیگران باشد، پس کارهای شایسته وموافق باطبیعت وی امریست که نیازمندیهای اجتماعی حقیقی، نه خیالی، به آن ضرورت داشته وگاهی هم نیازمندیهای شخصی نیز وی را به آن وا می دارد، البته همچوحالات ازنظر شریعت جایز بوده، ما دامیکه مطابق وموازی باضوابط ومقررات شرعی، و بدون وسعت دادن دامنۀ آن صورت گیرد.

پس وجود نیازمندیهای اجتماعی وشخصی که گاهی به کار و وظیفۀ زن نیازی پیداکند، به این معنا نیست که فرصت کار و وظیفه را برای مرد تنگ نموده ورقابت را آغازنماید، ویا اینکه درحوزه کار وشغل اساسی خویش سهل انگاری ویاکوتاهی نماید، واین مقام را فرصت مناسبی می بینیم تاجامعه وسازمانهای دولتی را متوجه مسولیت شان ساخته، ودراین راستا کوشش جدی به خرج دهند تا نیاز به کار وعمل زن درخارج از منزل را ازمیان بردارند، ویاحداقل آنرا کاهش دهند، وبلآخره تأثیرات منفی آنرا فرونشانند، زیرا معامله ورفتار بازنان کاملامانند مردان در وظایف، وساعات کار ومناطقی که وظیفه اجراءمی نمایند، ومدت ونوعیت وسال های تقاعدآنان وغیره، بدون اینکه وظیفۀ اساسی زن در بنای خانواده، وطبیعت وسرشت بشری وی مد نظر گرفته شود، ظلمی آشکاری بوده است، چنانکه تاکید بر آن می نماییم که جامعه ودولت مسولیت علاج فقرکه یگانه سبب بروز مشکلات مختلفی که بویژه زنان درجامعه مسلمانان از آن شکایت دارند، حل گردد، زیرا فقروتنگدستی اکثرا زن را وادار به انجام وظایف نامناسب وغیرموافق با طبیعت آنان میگرداند.

1. خاطرنشان باید ساخت که مکانیزم وروشهای تعلیمی طرح شده درکشورهای اسلامی، نیاز به تجدید نظر واقدامات جدی دراین راه دارد، تاعزت وکرامت شرعی زن دوباره بوی برگردانیده شده، و وی را آماده سازد تا کار و وظایف مناسب وموافق به طبیعت خویش را بصورت درست انجام دهد، وظایفی که کسی دیگرنمیتواند جای وی را بگیرد، پیشنهاد ما درمورد تجدید نظر در نقشه وروش تعلیم زنان درکشورهای اسلامی بمنظور بر آورده شدن اهداف بنیادی این است که:

1- زنی را تربیت نموده و به جامعه تقدیم نماییم، که پروردگار خویش را بصورت درست عبادت نماید.

1. زنی را تربیت وتقدیم به جامعه نماییم، که فرمانبردار واقعی شوهرش باشد.

3- زنی را تربیت وتقدیم به جامعه نماییم که قادر به تربیت وپرورش درست فرزندان خود باشد.

4- زنی را تربیت وتقدیم به جامعه نماییم که بتواند خانۀ خود را بشکل خوب ومنظم اداره نماید.

5- زنی را تربیت وتقدیم به جامعه نماییم، که درراه آبادی وبازسازی جامعۀ خود، دراموری که بوی تعلق میگیرد، سهم فعالی داشته باشد. بدون تردید خللی بزرگی که در روش تعلیمی زن بنظر میخورد اینست که منهج تعلیمی زن ومرد باهم یکسان است البته بگونه ای که وی را آماده به وظایفی می سازدکه مرد نیزدرآن راستا علم ودانش می آموزد، زیرا طرح ونقشۀ تعلیمی برای هردوجنس پی ریزی شده، وهردو تحصیل یک دانش را درهمه مراحل آموزشی طی می کنند که این خود تجاوز برحق زن بوده وازکرامت ومنزلت وی میکاهد، چنانکه وقایعی بسیاری دراین عصررخ میدهدکه اکثراً ارتباط مستقیم به این خلل دارد، مانند وجود زنهای بی شوهر، واقع شدن طلاق، نا امیدی وشکست روحی، بسامشکلات خانوادگی دیگر. از اینرو برافراد جامعه بویژه پیشگامان امت واهل رأی ونظر لازم است تادرمقابل هرگونه کوششها وتصامیم ویا تبلیغاتی که بخاطر یکجا بودن ذکور واناث درمراکز تعلیمی و طبق برنامه تعلیمی واحد چه در اهداف ومقاصد، ویا درطرز وطرح آن صورت میگیرد،ایستاده گی نموده واز آن جلوگیری نمایند، تا ازمقاصد والای شریعت اسلامی که مصالحی بی شماری را تأمین ومحقق می سازد، حمایت وحفاظت شده، وهمزمان مفاسد مترقبه دفع ویا کاهش یابد روی همرفته زندگی شرافت مندانه ای که کرامت وحقوق افراد جامعه در آن مصون ومحفوظ باشد ایجاد گردد، همچنان نتایج مثبتی که ازجدایی تعلیم دو جنس، ومفاسد یکجا بودن آندو، ازلابلای تجارب ووقایع بدست آمده است، ثابت ومحقق گردیده تا مصداق تعالیم اسلام برای منکران و مخالفان آن روشن وهویدا گردد.

6- جامعۀ مسلمانان این مسؤلیت را بدوش دارد تاظلم وبی دادگری را ازهمه افراد خویش برطرف نموده، فرمان الهی را درمورد تحریم ظلم میان بندگان عملی نمایند، چنانکه پیامبراکرم درآنچه ازپروردگارش نقل میکند، روایت شده است که خداوند فرمود: (ای بندگانم من ظلم وستم را برخویش حرام کردم ونیزدرمیان شماآنراحرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم وستم نکنید) روایت مسلم. واز زشت ترین ظلمی که میان بندگان رخ میدهد، ظلم بر زنان میباشد، پیامبرگرامی ما فرموده اند: (پروردگارا! من گنهکار می دانم کسی را که حق دوضعیف، زن ویتیم را پایمال کند) روایت نسایی. یعنی ازاینکار زشت سخت ممانعت می کنم، متأسفانه ظلم برزن چه مادر ویا همسر ویادختر اشکال گوناگونی را بخودگرفته، مانند محروم شدن وی ازحقوق مسلمش، توهین به کرامت وی، بی حرمتی درمعاشرت باوی، وبهره برادری نادرست ازاینکه ضعیف وناتوان است، که همه نتایج ناگوار بسبب ضعف وکاهش درتعالیم دینی میان مسلمانان وبروز وسایل وموارد بداخلاقی، که اینهمه دگرگونی ها حاصل وثمرۀ دوری از راه وروشی که خداوند آنرا وضع نموده میباشد، چنانکه مسلط شدن بعضی از رسم ورواج های غربی در جوامع مسلمانان که درنتیجۀ پذیرش و تقلید از راه و روش و رسم و رواج زندگی آنان که درکشورهای اسلامی تراوش نموده است،بوده وآثار ومظاهر آن به چشم می خورد، مانندپدیدۀ خشونت خانوادگی، وتحریک مسایل جنسی وخیانت میان زن وشوهر، واضافه ازآن ظلم وبی عدالتی میان همسران، ویا تنگی وتندی برآنان، ویاخوردن مال آنها به ناحق، ویا تقصیروکوتاهی دربرآورده نمودن نفقۀ آنان، ویا پایمال نمودن حقوق وکرامت زنان در وقت طلاق، همچنان ظلم وستمی که بعضی ازپدران درمورد ازدواج دختران جبرا برآنهاروامی دارند ویاهم درموردتربیت وآموزش آنها توجهی نمی نمایند، ویاتفاوت وفرق گذاری درتعامل ومصرف میان دختران وپسران، ویاانتخاب شوهرنامناسب به آنان، ویا تأخیردر ازدواج آنها وغیره اشکال وانواع ظلم وستمی که شریعت غرا آنر مردود می شمارد، همه از فرهنگ وراه وروش غرب الهام گرفته شده که سبب این هرج و مرج و دگرگونی ها و ظلم و تلف حقوق زنها در جوامع مسلمانان گردیده است. پس رفع همچو ظلم وستم وکاهش آن تاحد امکان مسئولیت و وجیبۀ شرعی است که باید در راه اصلاح آن اقدامات جدی وعملی صورت گیرد، و حتی فرصت برای اقدامات قانونی وقضایی برضد آن داده شود وزمینه بخاطرازبین بردن آن هموارگردد، ویااینکه بعد ازبوقوع پیوستن آن حداقل حل وفصل مناسب طبق مقررات شرعی صورت گیرد، و لازم می بینیم که باید برای وقایه از این گونه حوادث و اوضاع دردآور، برنامه های تربیتی و آموزشی اسلامی و فرهنگی پی ریزی شده به افراد جامعه تعلیم داده شود تا از مقررات شرعی و احکام آن آگاهی پیدا کرده وآشنایی کامل به حقوق و واجبات شرعی حاصل نمایند وحق خود و حق غیر را طوریکه لازم است بشناسند. این یگانه وسیله ای وقایویی است که می توان از تأثیرات ونظریات ناگوار غربی و شرقی کاست، وتقلید کورکورانه ازفرهنگهای غربی مخالف با شریعت و ارزشهای والای اسلام رااز بین برد.

7- همچنان جهانی شدن زندگی اجتماعی وحیات زن ازدیدگاه مادی گرای غربی وآزادی درسرمایه، تجاوز واضحی برحقوق زن درهمه جهان،بویژه درکشورهای اسلامی بوده است که عبارتنداز:

الف- آنچه درجهت وضع قوانینی که جهانی شدن آنرا میخواهند تعلق می گیرد، به گونۀ که براساس فرهنگ میراثی ویکجانبه وتحت نفوذ یک جهت، وکشمکش های حقوقی تاریخی بنا نهاده شده که مربوط به یک منطقۀ محدود روی زمین بوده، وهیچ گونه مشابهت فرهنگی وقانونی با اغلب مناطق جهان ندارد.

ب- جهانی شدن قوانین براساس مادی گرایی ونظام سرمایه داری وبراساس منفعت بنا نهاده شده است که منافع مادی نسبت به همه چیز اعم ازاخلاق وارزشهای محدود ومقید، حتی از ضوابط وضع شده بخاطر این منافع، مقدم دانسته شده است.

ت- آنچه درمورد رویداد های زندگی متعلق به زن، وحالت وی درغرب ارتباط میگیرد، که ازطریق رسانه های خبری و شاهدان عینی، و یا با اطلاع یافتن براحصایه ها وتحقیقات وگزارشها برملا می گردد. همچو رویدادهای اجتماعی بد وناگوار، پرده را از چهرۀ حقیقی مبلغان وداعیان جهانی شدن قوانین برمی دارد، هرچند آنها سعی می کنند که آنرا باطوق رنگارنگ دروغین اطلاعاتی، ودرخشندگی گیرای حقوق سالاری ساختگی، پوشش داده به جهانیان نشان می دهند. مگر نمی دانند که آفتاب را به دو انگشت نمی توان پوشید. درحالیکه خشونت های خانواده گی، غصب وتجاوز جنسی حتی به سطح شخصیت های برجستۀ سیاسی ودینی آنها رو به افزایش است. از یکسو فشار واجبار کار بر زن درکشور های غربی روز افزون بوده تا لقمه نانی را خود بدست آرد، و ازسوی دیگر پدیده ای که بیشتر رو به افزایش است وجود کودکانی که اصلا بی سرپرست هستند ویا اینکه سرپرست آنها یک نفر است – که از راه آمیزش یک مرد باچند زنی بدنیا آمده اند- با این حال تناسب ازهم پاشیدن خانواده ها نیز گریبانگیر آنان گردیده، ومجتمعات غربی را تهدید می کند، تا بلآخره مجبور شده اند بخاطر جلوگیری ازنابودی خانواده بطورکلی، متوسل به تصویب قانون اجتماعی جدیدی شوند، تا مفهوم خانواده ولوبطور شکلی بحالش برگردد، این قانون شامل چند ماده است ازجمله: دوشریک میتوانند بدون عقد نکاح، تازمانیکه خواسته باشند باهم زندگی نمایند، هرچند اگر از یک جنس هم باشند، ازاینرو مفهوم ازدواج همنوع اجتماعی شیوع وافزایش یافته است بطور مثال، در متن گزارش سالانۀ انستیتوت تحقیقات جمعیت شماری فرانسه که به پارلمان آن کشور پیشکش شده است درمتن آن چنین آمده است:(کشورفرانسه درمرتبۀ چهارم بعد از فنلند وناروی وسویدن قرارداردکه دراین کشورهاعقدنکاح روبه کاهش بوده، فرصت را برای روابط آزاد وبدون عقدنکاح بازکرده است،که سالانه450 هزار ازاینگونه روابط نا مشروع که آنرا ازدواج می نامند، بوقوع می پیوندد ، چنانکه معاشرت وآمیزش همیشه ومستمر، بدون عقد نکاح میان هم جنسان، مردبامرد، وزن بازن، صورت می گیرد که سالانه( 000, 30 ) ازاینگونه روابط میان همجنسان واقع میگردد ).

8- همچنان گرایش دوگانه وپیچیدگی درقانون ومصادرتوجیهی اجتماعی واخلاقی، جوامع مسلمانان رادرفتنه هاوگمراهی قرارمی دهد، وهویت وشخصیت اجتماعی وفرهنگی آنانرامشکوک ساخته، وراه را برآنان مبهم وتاریک می گرداند، ومردم را از نور فروزان اسلام محروم گردانیده، وآنهارا درسرگردانی فکری وگمراهی قرار داده همه امور را به بن بست مواجه می سازد. چنانکه می دانیم که یک جامعه متشکل از حلقه های پیوسته مردم می باشد که برپایه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی واخلاقی بنانهاده شده، وایجاد هرگونه خللی دریکی از این پایه ها، تأثیربدی بردیگر پایه هاخواهدگذاشت، واین خودسبب میشود تا درمورد اصلاح هرگونه خللی باید دید ونظرشامل داشت، بدین ملحوظ هم آهنگی وپیوستگی قانونی هرپایۀ آن باید براساس فرامین الهی که امور را در نصاب وجایگاه درستش قرارمی دهد، بناگذاشته شود، چنانکه خداوند می فرماید:ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﭼ فصلت: ٤٢

« باطل ازپیش روی آن وازپشت سرآن درآن راه نمی یابد، فروفرستاده ای ازسوی الله باحکمت ستوده است».

لذا باید قوانین ومقررات لادینی سکولرستی ازجوامع مسلمانان برچیده شود، وبه بشریت نمونه های عملی وواقعی حقوق وکرامت انسانی که اسلام به آن تأکید می ورزد، ارایه گردد. وبه زن فضای آزاد فراهم گردد تا ازعدل وداد شریعت، وتجلیل واحترامی که آیین اسلام به آنان قایل است، بهره مندشده، وجلو هرگونه حماقت وآشفتگی که بر زنهای پابند در دین وارزشهایش صدمه وارد می کند، گرفته شود تا بتوانند درمراکز تعلیمی در فضای آرام به تعلیم خود ادامه بدهند و در آینده مصدرخدمت به جامعۀ اسلامی و هکذا قادر به تشکیل خانوادۀ با عفت وسالم باشند.

**سفارش ها ودرخواست ها**

1- مسؤلیت امت وجوامع مسلمانان:

الف: احتراز و باحذرداشتن ازمتلاشی ومنحل شدن شریعت وقانون الهی، چه بطورکلی یاجزوی، ویا بازی کردن با اخلاق وارزشهای جامعه مسلمانان، زیرا اینکار نه تنها شکست فرهنگی ومعنوی بوده، بلکه منجربه مقهورشدن وتسلیم شدن به دشمنان گردیده وسلطان سیطرۀ آنان را برامت اسلامی تقویت می بخشد.

واگرهمچو فروتنی درمقابل دشمنان صورت گیرد، پس منتظرعقوبت الهی دردنیا وآخرت باید بود، خداوند می فرماید : ﭽ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﭼ النور: ٦٣

«پس کسانیکه ازفرمان اوتمرد می کنند، باید برحذر باشند ازآن فتنه ای به ایشان رسد یابه عذابی دردناکی گرفتارشوند».

پیامبراکرم می فرمایند: (خداوند غیرت می کند(خشمناک می شود )، وغیرت خداوند درآن وقت است که شخص محرمات خدا را انجام دهد) متفق علیه

ب- حمایت وحفاظت ازاخلاق وعفت افرادجامعه، که باید مراجع تعلیمی و وظیفوی دراین راستا توجه جدی بخرج دهند. و از وسایل اطلاعاتی وفرهنگی وترفیهی وغیره درراه حفظ ونگهداشت ارزشهای اخلاقی محیط مسلمانان توجه نموده وگام های مؤثری دراین راه بردارند، وازمختلط شدن تعلیم، میان ذکور واناث وهمچنان درساحات کارجلوگیری به عمل آید، زیراهمچو وقایه ازمهمترین وسایل حفظ وحمایت عفت وپاکی واخلاقیات جامعه بشمار میرود، واین خود مقاومت و ایستادگی ودرعین حال ضربۀ قویی بر دشمنان بوده و باعث خنثی نمودن همه مکاید و توطئه های آنها که بر ضد عفت و حجاب وبلاخره ناموس مسلمانان برراه انداخته اند، می شود، ان شاءالله. چون همه دشمنان در پیمان سرنگونی وریشه کن نمودن همه اشکال فرق گذاری وتفاوت میان زن ومرد باحمایت و سردمداری سازمان ملل متحد، وباترکیب و قیافه غربی، جبهه ای مشترکی راتشکیل داده و جنگ قویی را علیه این مبداء گوارا که از جانب خالق بشر تصویب و نازل گردیده، آغاز نموده اند. وخواستار مختلط ساختن زن ومرد درهمه عرصه های زندگی هستند و برای تحقیق این هدف شوم شان ازهرگونه وسائل شیطانی استفاده می کنند، پس باید جوامع اسلامی بیدار شوند و درپذیرش و افتتاح مؤسسه های غربی محتاط باشند وهمه جوانب آنرا قبلا مد نظر بگیرند و یک حد وخط عدم تجاوز را درفعالیتهای آنان تعیین کنند، زیرا مؤسسات ومراکز اطلاعاتی و تعلیمی و نمایندگیهای سیاحتی و تفریحی و فرهنگی که در کشور های اسلامی به کثرت سرمایه گذاری کرده اند، صرف بخاطر بهبود روابط اقتصادی و یا سیاسی و کمک و همکاری نبوده بلکه فعالیتهای آنان با مقاصد، اهداف، فرهنگ و اخلاق اسلامی کاملا در تصادم واقع شده وخطر بزرگی محسوب می شوند که ارزشهای امت مسلمه را تهدید می کند. و فعلا که آنها کشور های اسلامی راهدف قرار داده اند، نیاز به ایستادن وبرخاستن همه مردمان مخلص به دین، از جمله علما، دانشمندان، اندیشمندان، متخصصان علمی، مردمان برجسته، تجار وبلآخره عامۀ مردم دارد که دوشادوش هم، صاحبان این برنامه ها را اصلاح نموده به راه راست وحق برگردانده، و زن مرد وهمه افراد جامعه را از شر آنان نجات دهند.

ج- بر والیان امورمسلمانان واجب است تا دست نادانان وهوس رانان وشهوت پرستانی که درساحات تعلیمی ویا فرهنگی ویااطلاعاتی وغیره وظیفه انجام میدهند، کوتاه ساخته، ونگذارند تاحقوق شرعی زنان مؤمن پایمال گردد، همچنان آنانیکه محافل فحشا را طرح ریزی نموده و آنرا برپا نموده و انتشار می دهند و از اینراه لکۀ بدنامی را به جوامع اسلامی و ارزشها و آداب آن وارد می کنند و حیثیت و شرف و آبروی همه را می ریزانند تا بتوانند باداران خود را راضی کنند، بیخبراز آنکه خود ایشان به حرام تغذیه شده و مؤسسین پستی ورذالت و فرومایه گی و دیوثی در جامعه به حساب می روند. طبعا بیشتر شان به سبب جهل و نادانی و یابه سبب فریب خوردن آنها بوده که نه از ارزشهای دین اسلام باخبرند ونه تا الحال معیار و مقیاس ترقی و تمدن حقیقی را درک توانسته اند،پس بایدجلوهمچو اشخاص گرفته شود.پیامبر اکرم می فرمایند:«حتماازدست ظالم بگیریدو وی رابسوی حق برگردانید». روایت ابوداود

د- علماء و دانشمندان و مصلحان جامعه باید در زمینۀ وجیبه دینی، مسئولیت شرعی خود را در قبال جامعه فراموش نکنند و مردم را به خیرخواهی دعوت کنند و ازکارهای نا پسندیده وا دارند و هر تحریکی را که از هر جانب مشاهده می کنند ولو که به جهات دیپلوماتیک هم ربطی داشته باشد و یا اینکه کوچک بنظر بخورد درهرحالت آنرا نادیده نگرفته در مقابل آن بی تفاوت نمانند بلکه برضد آن عکس العمل جدی از خود نشان بدهند و عواقب همه فعالیتهای مغرضین را به آگاهی مردم برسانند چون واجبات و ضروریات شرعی و حفظ اساسات و شعائر دین از هر چیز مقدم تر است. و به تأکید که در اینگونه حالات ایستادگی و حق را بیان کردن از شیوه های پیامبر وصحابۀکرام و علمای سلف صالح این امت است که باید علمای امروز به آنها اقتدا کنند.خداوند می فرماید: ﭽ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﭼ آل عمران: ١٠٤«وبایدازشما گروهی باشندکه به خیردعوت کنند وبکارپسندیده امر، وازکارناپسند منع کنند وآن گروه ایشانند رستگاران».

و- تأکید براینکه پنهان نمودن علم خطربزرگی است، بویژه هنگامیکه دربیان وتوضیح آن در وقت ضرورت تأخیرصورت گیرد،خداوند میفرماید: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭼال عمران:١٨٧

«ویاد کن هنگامی را که خداوند ازکسانی که به آنان کتاب داده شده – یهود ونصاری – پیمان گرفت، که حتما باید آنرا برای مردم بیان نمایید وکتمانش نکنید، پس آن عهد را پشت سرخود انداختند وآن را به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند». خصوصا هنگامیکه با مبادی دینی واخلاقی وحقوقی برخوردی صورت گیرد، وخطرناکتر از این، توجیه نمودن تصامیم ومقرراتی که با ارزشهای اجتماعی وشرعی مغایر است، چه این توجیه از روی رغبت باشد ویا از روی بیم وترس، ویا اینکه توجیه آن بمنظور مصلحت خیالی وبی اساسی که مخالف با نصوص وقواعد شرعی است باشد.

ی- امت باید آگاه باشد براینکه ارزش وقیمت فرهنگی واجتماعی واخلاقی وحقوقی که بر کشورهای غربی حکمفرماست، بسیار ناچیز بوده با وجود آنهم می خواهند بازور وجبر دولت های غربی آنرا بر جهان نافذ و پخش نمایند، که نه تنها سازگار باسرشت پاک انسانی وقوانین ومقررات درست وصحیح نیست، بلکه اصلا براساس معیار های فرهنگی میراثی بنا گذاشته شده که پشتیبانی از فرهنگ مخترعان آن نموده، و با فطرت سلیم در بسیاری از احوال درتصادم است. که این خود ایجاب میکند تا درمورد اهلیت وجهانی بودن مبادی حقوقی آن، وصحه گذاشتن بر اینکه کلیه حقوق براساس آن پایه گذاری شود، تجدید نظر صورت گیرد، وما براهمیت این تجدید نظر در مورد حقوق انسان، درپرتو فطرت سلیم وعقل درست وسالم، وفرامین درست ودقیق وبجایی که همه دیانت های آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند، تأکید می نماییم، و مطمئنیم که این همه اوصاف جز درمبادی حقوقی آیین اسلام، در دیگر آیینی پیدا نیست، که جای گزین بهتر وکاملتری، که بتواند از ارزش جهانی برخوردار بوده، ومعیارو مقیاس کاملی درمورد سرنوشت حقوق انسان را دارا باشد.

**مسؤلیت زن مسلمان**

أ– برزن مسلمان لازم و واجب است تا در پایبندی خویش به دستور های شریعت مطهر، باوجود فشار های خصمانۀ دشمن کوتاهی ننماید، وآنچه دراین راستا بوی تعلق میگیرد اینست که باید پایبندی تام به حجاب شرعی داشته باشد بگونه ای که آنرا فریضۀ دینی دانسته وبه آن افتخارنموده ویقین کامل داشته باشد که خداوند دربرابر این عبادت، وی را پاداشی بزرگ خواهدداد، واینرا درک کندکه حجاب ودرپرده بودن زن مسلمان، بخاطرخشنودی پروردگارمهربان، وحفظ عزت وکرامت وی، و زدودن توهین وتحقیراز اوست.

بدون تردیدپایبندی زن های باعفت وپاکدامن به حجاب شان، مطابق مقررات واحکام شرعی، وسفارش نمودن سایرزنان به آن، ازمهمترین وسایلی است که جامعه را از رذایل وپلیدی ها محفوظ نگهداشته، ودرمقابل دشمنان نشسته درکمین، ومتجاوز برمنافع ومصالح دنیوی وآخروی ما مقاومت می نماید، چنانکه پایبندی وچنگ زدن زن مسلمان به حجابش، جهادی بزرگی - نظربه توانش- حساب می شود، خصوصا درسایۀ جنگ شعله وری که امروز دشمن علیه این اصل شرعی آنرا افروخته است.

ب- این یک ضرورت اجتماعی است که زن به مسئولیت های اجتماعی خود پی برده، طبق مقررات شرعی، نقش اصلی وحقیقی خود را در جامعه ادا کند. زن مسلمان باید در برداشت مسئولیت اجتماعی خویش سهم فعالی گرفته ونقش ارزنده وحقیقی که درجامعه دارد، از لابلای بندگی واقعی اش به خداوند به اجرا در آورد، که از جمله نمای اجتماعی آن، تربیت وپرورش درست فرزندان، سرپرستی شایسته خانواده، ومستقر بودن وی در منزلش است – مگر اینکه بخاطر ضرورتی بیرون آید -، وحیا وحشمت وظرافت ادبی شرعی، وحفظ عزت وکرامت وآبروی خویش را مدنظر گرفته بخاطر ضرورتی که از محل اقامت خود خارج شده، آنرا رفع نموده واپس بخانه برگردد و همیشه کوشا باشد تا عفت و پاکیزگی را در جامعه و میان سایر زنان انتشار بدهد وآنانرا از لغزش در شر وفساد برحذر نماید، وزنان ثروتمند را ازحقوق خداوند ومحاسبه الله با آنان آگاه ساخته – با آنکه نفقه آنان بردوش شوهرانشان است- تا مبادا مال ودارایی خویش را در راه باطل ویا امور بی ارزش، ویا اسراف در وسایلی که قابل خرید نبوده، آن هم بخاطر رقابت ویا مودپرستی تلف ننمایند، بلکه درراه های خیر واحسان به مردم، وهرآنچه سبب خشنودی خداوند متعال میگردد، بمصرف برسانند. ودر خاتمه چیزی مهمی که باید تذکر یابد اینست که باید در ناحیۀ آموزش زنان توجه جدی صورت گیرد – البته بعد از بررسی علمی – که به خواست وارادۀ خداوند، بدینوسیله حرکت بیداری حقیقی زن درجامعه های مسلمانان بسرعت پایدار و برقرار خواهد شد، وتضمین کنندۀ حقوق مسلم وی که خداوند دانا وآگاه بر همه چیز، وقدرتمند وباحکمت، به آنها عطا فرموده خواهد بود، ودر راه پیشرفت وانکشاف جامعه نقش فعال ومثبتی واقعی خواهد داشت، بدون طی نمودن مراحلی فجیعی که زنان غرب ازآن میگذرند، وجامعه را به سرشت وخیمی دچار می کنند. زنان مسلمان با عملی نمودن ارشادات الهی و سنت پیامبراکرمص نمونۀ ازعدل وانصاف برای کسانی خواهد بودند که خواستار خیراندیشی وصلاح برای زنان جهان اند. بدیهی است که این قضیه به نقشه کشی، وپیمودن مراحل پی درپی، وانجمن وسازمان ها، وبرنامه وطرح ریزی متعددی نیاز دارد تا در ایجاد قانون ومقررات مربوط به زنان وتنفیذ آن اقدام صورت گیرد، تا باشد که این سند شرعی در راه تحکیم بخشیدن یکی از پایه های آن نقش اساسی داشته باشد، لذا بردانشمندان شرعی لازم است تا همگام با اهل اختصاص در زمینه های اجتماعی، واقتصادی وتربیوی وغیره گردهم آمده بر ترکیب وساختار روشی سالمی مربوط به مسایل زن، چون آموزش، کار، سر گرمی وتفریح وغیره به نتیجۀ مثبتی رسیده وبخاطر تعیین برنامه های عملی ومحقق ساختن این ساختار وترکیب ها که ازاحکام شریعت سر چشمه گرفته باشد اقدام نمایند، پس مقرر نمودن طرز عمل های واقعی بمنظور تنفیذ این برنامه ها باید بر دو اساس پایه گذاری شود:

اول: براساس مدارک ودلایل شرعی از جمله عقاید واحکام ومقاصد شریعت پایه گذاری گردد.

دوم: هم آهنگی واقعی با مسایل نو وتازه زندگی داشته باشد. تا حمایت درست وسلیم ازجامعه مسلمانان تحقق یافته وراه های سودمندی باز گردد تا مردم از زندگی آرام ومرفه واقعی برخوردارگردند، چنانکه بردانشمندان ومتخصصان لازم است که همچو مسایل وامورخطر ناک را بدست کسانی نگذارند که ازدین خدا ومقاصد شریعت واحکام آن آگاهی ندارند ویا آنعده مردمانی که شکست فرهنگی ومعنوی خورده اند، ونباید آنرا تسلیم رویداد هایی امروزی نمایند ونباید بر اساس آن راه های حل مقرر وتعین گردد که احتمال عدم موافقت با مصالح شرعی، که ضامن خیر اندیشی وخیر خواهی مردم است داشته باشد. همچنان باید این برنامه ها وساختار آن حاصل علم شرعی درست، ودور از هرگونه اندیشه وتصور های خیالی و وهمی بوده پیش آمد های حیاتی درخور تغیر را، چه در موقع مناسب ویا دشواریها مد نظر گرفته باشد، واز پیشکش نمودن برنامه های نمایشی که تطبیق آن درزندگی روزمره دشوار وسنگین تمام شده، ومردم را به بیراهه می کشاند، اجتناب صورت گیرد، چنانکه نباید تابع رویداد های بی ثبات گردیده وآنرا با اهداف ومقاصد واحکام شریعت همدوش ودرجریان قرار دهد، از اینرو لازم است که شتاب در فراهم نمودن دیدار و مجالس دراین باره میان علمای شریعت اسلامی ومتخصصان مخلص ودلسوز انجام یابد، تا در روند اصلاح جامعه وسازماندهی درست، ودرموارد اقتصادی وتربیوی که بی نهایت مهم وپراهمیت است، بحث ومناقشه صورت گیرد، تا به این وجیبۀ شرعی که گنجایش تاخیر وتعویق را ندارد، اقدام عملی به عمل آید. نکته مهم اینست که باید به کیفیت و آیین مردم داری وآشنایی با وضع زندگی آنان آگاهی داشت – بدون اینکه خیروشر ویا تصادم آنان با مفکوره واعتقاد مردم را درنظرگرفت – زیرا امکان دارد با مرور زمان وضع دگرگون گشته وارزشی را کسب نماید که از جمله تقاضاهای اساسی جامعه شمرده شود ومردم را بسوی خود فرا خواند، واینکه چه نتایجی از آن ببار می آید، مسالۀ جدایی است، آنگاه نه تنها رهنمایی دشوار خواهد بود بلکه مقابله با آن وتغیر جهت دادن نیز کاری مشکلی خواهد شد. و درخاتمۀ این وثیقه نامه ازمژده ای شما را باخبر می سازم که تصمیم و عزم شما را راسختر و قاطع ترساخته ان شاءالله سبب آماده گی هرچه بیشتر و مزید تان می گردد و آن اینکه دین اسلام در پخش وانتشار میان اقشار وتوده های جهانی نسبت به همه ادیان سریع تر بوده – والحمدلله والمنه – کسانی که مشرف به آیین اسلام می شوند بیشتر آنها ازکشور های غربی بویژه زنان آنهاست، که با وجود حملات شدید و پیهمی که بمنظور بد نام نمودن اسلام، وزشت جلوه دادن وضع زن درجوامع اسلامی انجام می پذیرد علی الرغم آنهمه، به ندای اسلام لبیک گفته و به این دین مقدس مشرف می شوند و خداوند متعال شرف ایمان را به آنهاعطا می فرماید و آنها را از این همه رنج وعذاب و زندگی پرمشقت ورقتبارغرب، که سالها در زیر سایۀ قوانین ومبادی ساخت بشر که از هدایات ورهنمود های ارزشمند اسلام بسیار بدوراست زندگی بسرمی برند، رهایی بخشیده وازآزادی وکرامت حقیقیی که زیرسایۀ شریعت وآیین اسلام که از جانب پرورد گارجهانیان برای بشریت مقرر شده، احساس تشنگی آنرا می کردند برخوردار گرداند. وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه اجمعین.

فهرست مطالب

مقدمۀ مترجم..............................................................2

پیشگفتار...................................................................7

مقدمه.......................................................................8

سرآغاز ومقدمات اساسی.........................................13

اصول وضوابط شرعی درمورد حقوق ووظایف زن..........28

بینش ونمای این منشور...........................................56

سفارش ها ودرخواست ها......................................87

مسؤلیت زن مسلمان...............................................96

فهرست مطالب.....................................................105